



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گاجان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷

<http://jead.gau.ac.ir>

بازدارنده‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: زنان کارآفرین شهرستان لاهیجان)

*تهمینہ احسانی‌فر^۱، مهنا شاهمرادی^۲، پریسا مرادیان^۳، فرحناز رستمی^۴ و کامبخش فرحمنده^۵

^۱دانش‌آموخته کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی، دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی، ^۲دانش‌آموخته کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی، ^۳استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، ^۴استادیار، دانشگاه پیام‌نور رشت تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۶

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و اولویت‌بندی بازدارنده‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان لاهیجان انجام شده است. روش تحقیق کیفی از نوع مطالعه موردی بود و با استفاده از روش مصاحبه عمیق با ۱۲ نفر از زنان روستایی کارآفرین که براساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، داده‌های موردنظر گردآوری شد. براساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، عوامل بازدارنده در دو طبقه انتخابی «مشکلات بخش اجرا» شامل دو محور ضعف زیرساخت‌ها و نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها و «مشکلات بخش تولید» شامل مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت، دسته‌بندی شدند. در این بین نبود فضای کافی و مناسب، عدم اعتماد به یکدیگر، عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان، نرخ بالای سود بانکی، عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید، نوسان شدید بازار، نوسان شدید قیمت نهاده‌ها و آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان لاهیجان را تشکیل داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، کارآفرینی، توسعه روستایی، شهرستان لاهیجان

مقدمه

امروزه کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش‌زمینه‌ای اساسی برای افزایش استانداردهای زندگی، ارتقای سطح توسعه در شهرها و روستاها و کاهش فقر به شمار می‌رود، از این‌رو توسعه روستایی تا حد زیادی

وابسته به کارآفرینی می‌باشد (کیاکجوری و همکاران، ۱۳۸۸). بسیاری از اندیشمندان، کارآفرینی را منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های تولیدی، خدماتی و تجاری و نیز موتور محرک توسعه اقتصادی می‌دانند (Urbano and et al., 2010). تا جایی که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای فرار از بیکاری با کمک نیروی کارآفرینی، حیاتی دوباره یافته است (Archibong, 2004). با توجه به اهمیتی که

*مسئول مکاتبه: tahmineh.ehsanifar@gmail.com

انکارناپذیر زنان در توسعه روستایی، بسیاری از دولت‌ها توانسته‌اند با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب و با بهره‌مندی از نیروی کار فعال بر بحران‌های جامعه خود فائق آیند و در مسیر توسعه پیش بروند. اما فعالیت زنان در حوزه کارآفرینی همواره با چالش‌ها و موانعی روبرو بوده است که نیاز به نگاهی عمیق و در خور توجه دارد تا این قشر بتواند موانع روبروی خود را کاهش داده و ظرفیت‌های موجود در این بخش را توسعه دهند (هاشمی و پورامین‌زاده، ۱۳۸۸). براساس مطالب بیان شده و با توجه به خلأهایی که در زمینه فراهم کردن بستری مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی زنان در شرایط فعلی کشور وجود دارد، پرداختن به مسأله کارآفرینی در میان زنان روستایی به‌عنوان قشر عمده‌ای از جمعیت فعال روستاها، به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی، از اهمیت بسزایی برخوردار است که نباید از آن غافل شد. بنابراین به منظور پر کردن شکاف‌های موجود در بین طبقات شهری و روستایی شهرستان لاهیجان و ایجاد توجه مناسب به زنان روستایی و فعالیت‌های کارآفرینی آنان، پرداختن به مسأله کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان لاهیجان به‌عنوان قشر عمده‌ای از جمعیت فعال روستاها، از اهمیت بسزایی برخوردار است که نباید از آن غافل شد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد شناسایی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان لاهیجان برآمده است.

مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع

الف) توسعه کارآفرینی روستایی: تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها به شمار می‌رود، زیرا یک فعالیت کارآفرینی با اثربخشی بالا به توسعه اقتصادی

کارآفرینی در جامعه کنونی دارد می‌توان اذعان کرد؛ کارآفرینی علاوه بر تحولات مثبتی که در نقاط شهری می‌تواند به وجود آورد، توانایی برطرف کردن چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و در نتیجه توسعه مناطق روستایی را هم دارد (حیدری ساریان، ۱۳۹۱). همچنین نباید فراموش کرد که، توسعه کارآفرینی در یک جامعه و به‌طور خاص جامعه روستایی، نیازمند تلاش آگاهانه برای تدارک مجموعه‌ای از عوامل و شاخص‌های زیرساختی و حمایتی توسط نهادهای دولتی و غیردولتی زیربند در راستای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جوامع روستایی می‌باشد (Wong and et.al., 2007). از نظر اندیشمندان، توسعه کارآفرینی در نقاط روستایی یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های توسعه روستایی است که می‌تواند حمایت و نگهداری میراث فرهنگی روستایی، کاهش استفاده از منابع طبیعی، به حداقل رساندن اتلاف منابع، حفظ کیفیت محیطی و حفاظت از تنوع زیستی را در پی داشته باشد (Lordkipanidze, and et.al., 2005). در این زمینه، توجه به مقوله کارآفرینی در بین زنان روستایی موضوعی در خور توجه می‌باشد. از آنجا که زنان نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و توسعه اشتغال در جامعه ایفا می‌کنند، هویت دادن و استقلال بخشیدن به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آن‌ها در امور مختلف اقتصادی و اجتماعی خصوصاً فعالیت‌های کارآفرینی، به‌عنوان عامل مهمی در انگیزش بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولید اجتماعی مطرح می‌شود (علیخانی دادوکلائی، ۱۳۹۳).

زنان روستایی، کارآفرینی را فعالیتی می‌دانند که در مجاورت منزل خود انجام می‌دهند، بنابراین این نوع نگرش به مقوله کارآفرینی سبب می‌شود تا از وابستگی و نیاز زنان به حمایت شدن از طرف دیگران، کاسته شود (پاسبان، ۱۳۸۲). با توجه به نقش

(از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها و رقابت‌پذیری) می‌انجامد (Verheul, 2001). امروزه به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. در همین رابطه گفته شده که توسعه اقتصادی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (Heriot and Campbell, 2002). یکی از راه‌های تجربه شده در جهان در بازنگری سیاست‌ها، توجه به کارآفرینی است که از آن در متون توسعه به‌عنوان «بازسازماندهی» ساختار اقتصاد روستا نام می‌برند (حیدری ساربان، ۱۳۹۲). به باور آندرسون، کارآفرینی وسیله‌ای مهم برای توسعه روستایی، افزایش و توسعه شغل‌ها و فعالیت‌های غیرکشاورزی و ابزاری برای بهبود معیشت زنان است.

یافته‌های علمی گویای این واقعیت است که توسعه اقتصادی در مناطق روستایی محقق نمی‌شود، مگر این‌که زنان روستایی در تمامی جهات و ابعاد توسعه، مداخله مستقیم داشته باشند (Ganesan, 2006). هیبری نیز بر این باور است که میان توسعه فردی زنان روستایی از طریق افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌ها، آزادی بیشتر، خودشکوفایی، مسئولیت‌پذیری، و وضعیت مالی با کارآفرینی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. می‌توان گفت کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۱).

ب) عوامل بازدارنده: اگر منابع مالی، انسانی و فیزیکی، سیاست‌ها، قوانین و زیرساخت‌ها به‌عنوان

مانعی در راه توسعه کارآفرینی شناسایی شوند یا این‌که فرایند ایجاد و توسعه کسب و کارها را با مشکل مواجه سازند، به‌عنوان عوامل بازدارنده معرفی می‌شوند. براساس مطالعات بانک جهانی، برای توسعه کارآفرینی زنان روستایی باید سهولت دسترسی آنان به سرمایه، تشدید حمایت‌های فنی و تخصصی از آن‌ها، بسترسازی فرهنگی و فرصت‌های ایجاد شبکه فراهم شود (Word Bank, 2002). همچنین گفته می‌شود میان تجربه کاری، الگوهای نقش، نارضایتی، تحصیلات، و قابلیت‌های زنان روستایی با کارآفرینی رابطه معنادار وجود دارد (Islam and Baharul, 2009). به‌طورکلی عوامل فردی (وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، سطح سواد و غیره)، عوامل اقتصادی (فقدان دسترسی به منابع مالی، پایین بودن میزان درآمد، فقدان دسترسی به اعتبارات، حمایت نکردن مؤسسه‌های مالی و غیره)، عوامل روانشناختی (فقدان ریسک‌پذیری، نداشتن استقلال، پایین بودن اعتماد به نفس، نداشتن خلاقیت و غیره)، و موانع اجتماعی - فرهنگی (فرهنگ مردسالاری، باورهای کلیشه‌ای درباره زنان، تمایل کم برای همکاری با زنان و غیره) به‌عنوان مهم‌ترین موانع در توسعه کارآفرینی زنان روستایی شناخته می‌شوند (حیدری ساربان، ۱۳۹۲).

ج) بررسی پیشینه پژوهش: در این بخش، به مرور کلی نتایج برخی از مطالعات و تحقیق‌های مرتبط با توسعه کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان، در داخل و خارج از کشور پرداخته می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱- خلاصه پیشینه تحقیق در رابطه با موضوع.

محقق (سال)	عنوان تحقیق	نتایج
Hyden (2001)	فقر روستایی، خطر و توسعه	عوامل متعددی از جمله مهارت‌های فنی و علمی روستاییان، مهارت‌های مدیریتی، مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های کارکنان در توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی برزیل مؤثرند.
Ellis (2003)	معیشت و کاهش فقر در مناطق روستایی کنیا	فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی از موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی است.
جوهری و قضاوتی (۱۳۸۴)	بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران: موانع راه‌اندازی شغل برای زنان	موانع خانوادگی، نظام تعلیم و تربیت، ناهمخوانی انتظارات نقشی، و باورهای کلیشه‌ای به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان ایرانی هستند.
کریمی (۱۳۸۷)	نقش حمایتی دولت در ایجاد اشتغال برای زنان: مطالعه تصادفی تعاونی زنان در استان مازندران	مشکلات مالی، اختلاف میان اعضا و تبعیض علیه زنان، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در استان مازندران هستند.
Cronies (2006)	مفهوم شرکت، کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک	نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازماندهی ضعیف زنان کارآفرین روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات و میزان سواد، وجود تبعیض در بازار کار، وجود بازارهای سنتی و کلیشه‌ای از موانع مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی است.
Wandy and Chong (2007)	الگوسازی یک چارچوب به منظور بررسی عوامل اثرگذار بر عملکرد زنان کارآفرین در مالزی	موانع عمده بر سر راه زنان کارآفرین روستایی عبارتند از: طبقه اجتماعی، فضای حیاتی، پایین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع، انزوای روستا، دسترسی نداشتن به دانش فنی، پایین بودن سطح مهارت.
Nawaz (2009)	عوامل بحرانی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی در بنگلادش	سه عامل قانونی (شامل قوانین سازمانی و دولتی و سیاست بانکی)، هنجاری (شامل رسم و عادات اجتماعی، دسترسی به سرمایه و پول، و میزان ارتباط با بازار) و شناختی (توانایی کنترل ریسک، آموزش و دسترسی به داده‌ها، دوره‌های آموزش کارآفرینی و دانش کسب و کار) در توسعه کارآفرینی زنان در بنگلادش تأثیرگذار هستند.
Sathiabama (2010)	توانمندسازی و توسعه کارآفرینی زنان روستایی	زنان کارآفرین علاوه بر اینکه با موانع بازاریابی مواجه هستند، عوامل دیگری نیز مثل مسئولیت‌های خانوادگی مانع دستیابی آنان به بعضی از فرصت‌ها می‌شود، به‌علاوه اینکه آنها با موانعی در رابطه حق مالکیت دارایی‌هایشان مواجه هستند.
حیدری ساریان (۱۳۹۲)	اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی با روش AHP در استان اردبیل	موانع فردی، اجتماعی- فرهنگی، روانشناختی، و اقتصادی مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان روستایی هستند.
احمدپورداریانی و همکاران (۱۳۹۱)	عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره فنی و مهندسی استان زنجان	شش عامل آموزشی، حمایتی، ارتباطی، مدیریتی، مهارت کسب و کار و سیاستگذاری بیشترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی در استان زنجان داشته‌اند.
مطبعی لنگرودی (۱۳۹۲)	توضیح عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستایی در توسعه کارآفرینی در شهرستان ملایر	نتایج این تحقیق ده عامل را به عنوان عوامل مؤثر بر فرایند توسعه کارآفرینی روستایی ذکر کرده که عبارتند از: پشتکار، عوامل سازمانی، مالی و اقتصادی، آموزش و الگوی نقش، استقلال فردی، تجربه‌های قبلی، خلاقیت، احساس موفقیت، مرکز کنترل درونی.

به طور کلی نگاهی بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها با رویکردی کمی به بررسی کارآفرینی روستایی از دیدگاه زنان و یا کارشناسان پرداخته‌اند و پژوهشی کیفی و جامع که به بررسی عمیق و ریشه‌ای این مسئله از زوایای گوناگون پرداخته باشد، به ندرت انجام گرفته است. از این رو، در این مطالعه با کاربرد روش پژوهش کیفی به بررسی بازدارنده‌های کارآفرینی از دیدگاه سه گروه زنان روستایی کارآفرین موفق، زنان روستایی کارآفرین ناموفق و کارشناسان پرداخته شده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی، از نوع مطالعات موردی می‌باشد که با رویکردی آسیب‌شناسانه و با هدف شناسایی بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان لاهیجان انجام شده است. در این

تحقیق، برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق همراه با بازدید از واحدهای تولیدی، استفاده گردید. جامعه مورد مطالعه شامل زنان روستایی کارآفرین شهرستان لاهیجان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۲ نفر از آن‌ها انتخاب شدند (جدول ۲). براساس شیوه معمول تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری و فرایند انجام مصاحبه تا زمان دستیابی به سطح اشباع و تکراری شدن اطلاعات ارائه شده توسط شرکت کنندگان در تحقیق ادامه یافت. به عبارت دیگر، مصاحبه‌ها تا آن جایی ادامه پیدا کرد که محققان به این باور رسیدند که اظهار نظرها پیرامون موضوع و هدف تحقیق به حالتی یکنواخت و تکراری رسیده است و جستجوی بیش‌تر به یافتن داده‌های جدید منجر نمی‌شود که اصطلاحاً در تحقیقات کیفی به آن شاخص اشباع داده گفته می‌شود (Given, 2008).

جدول ۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه.

شماره	سن	سطح تحصیلات	سابقه	زمینه فعالیت
۱	۲۷	لیسانس	۵	پرورش قارچ
۲	۲۵	لیسانس	۴	پرورش ماهیان زینتی
۴	۲۲	لیسانس	۳	پرورش قارچ
۵	۵۵	دیپلم	۱۵	فعالیت در زمینه برنج، صیفی جات و تولید نهاده‌ها
۶	۵۰	دیپلم	۲۵	فعالیت در زمینه برنج، صیفی جات و تولید نهاده‌ها
۷	۵۵	دیپلم	۲۰	پرورش گل و گیاهان زینتی
۸	۴۰	دیپلم	۸	برنج‌کاری و تولید نهاده‌ها
۹	۵۰	دیپلم	۱۵	برنج‌کاری و صاحب کارخانه شالیکوبی
۱۰	۴۰	دیپلم	۱۰	برنج‌کاری، صیفی جات و تولید نهاده‌ها
۱۱	۳۵	لیسانس	۱۰	پرورش گل و گیاهان زینتی
۱۲	۴۰	لیسانس	۱۰	پرورش گل و گیاهان زینتی

یافته‌ها

براساس تحلیل‌های صورت‌گرفته بر روی داده‌های گردآوری شده، موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی در قالب ۶ زیرمحور اصلی شامل: «ضعف تجهیزات» با ۵ کد باز، «مشکلات فرهنگی» با ۴ کد باز، «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها» با ۵ کد باز، «ناکارآمدی عملکرد بانکی» با ۵ کد باز، «نارسایی سیستم مدیریت» با ۳ کد باز، و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» با ۷ کد باز طبقه‌بندی گردیدند. علت این طبقه‌بندی قرابت مفهومی کدهای باز با یکدیگر بود (جدول ۳).

پس از ثبت شنیداری و نوشتاری مصاحبه‌ها، از تکنیک «تحلیل محتوا» به جهت بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در متن استفاده شد. در این روش، محتوای آشکار به‌طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. به‌طور کلی تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱). مراحل تحلیل داده‌ها در این تحقیق به صورت زیر بود: ۱) تعیین نمونه‌های مورد بررسی، ۲) تدوین پرسش‌های تحقیق، ۳) گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق، ۴) ثبت و مرور متن مصاحبه‌ها، ۵) استخراج گویه‌های اولیه (کدهای باز)، ۶) دسته‌بندی گویه‌ها از دیدگاه قرابت نظری - مفهومی در قالب زیرمحورها، ۷) تشکیل طبقات مفهومی در قالب کدهای محوری، ۸) تشکیل ساختار ماتریس و ارائه یافته‌ها. جهت اطمینان از صحت و پایایی داده‌ها از چهار معیار موثق بودن گابا و لینگولن^۱؛ اعتبار؛ تأییدپذیری؛ قابلیت اعتماد و انتقال‌پذیری استفاده شد (Hoffman & Mehra, 1999). بدین منظور محقق با محل‌های تحقیق ارتباط طولانی مدت داشت که به جلب اعتماد شرکت کنندگان و همچنین به درک محیط مورد مطالعه کمک کرد. همچنین از بازنگری شرکت‌کنندگان نیز برای تأیید صحت داده‌ها و کدها استفاده شد، به این صورت که بعد از کدگذاری، متن مصاحبه به شرکت‌کننده بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود و کدهایی که از نظر شرکت‌کنندگان بیانگر دیدگاه آنان نبود اصلاح گردید.

جدول ۳- عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی.

رتبه‌بندی	درصد	فراوانی	مفاهیم	زیرمحوورها	ردیف
۱	۳۱/۵	۹	نبود فضای کافی و مناسب		۱
۲	۲۴	۷	بالا بودن قیمت تجهیزات		۲
۳	۱۰	۳	وجود مشکل کم آبی	ضعف تجهیزات	۳
۴	۶	۲	وجود مشکل در زمینه حمل و نقل		۴
۴	۶	۲	دسترسی مشکل به مواد اولیه		۵
۱	۱۷	۵	عدم اعتماد به یکدیگر		۶
۲	۱۳	۴	نبود فرهنگ سرمایه‌گذاری بین مردم	مشکلات	۷
۲	۱۳	۴	ریسک‌پذیر نبودن برای گسترش کار	فرهنگی	۸
۳	۱۰	۳	علاقه نداشتن به افزایش تولید		۹
۱	۳۴	۱۰	عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان در توسعه واحدهای تولیدی خویش	عدم حمایت	۱۰
۲	۲۴	۷	عدم حمایت مناسب بیمه از محصولات	اقتصادی و	۱۱
۳	۲۰	۶	عدم حمایت مالی و دادن امکانات از طرف جهاد و سازمان‌های دیگر	ضعف	۱۲
۴	۱۰	۳	نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر	سیاست‌گذاری‌ها	۱۳
۴	۱۰	۳	نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات		۱۴
۱	۳۷	۱۰	نرخ بالای سود و بهره بانکی وام‌ها		۱۵
۲	۲۹	۸	همکاری نکردن بانک کشاورزی در پرداخت وام به تولیدکنندگانی که از طرف جهاد معرفی شده‌اند	ناکارآمدی	۱۶
۲	۲۹	۸	فرصت محدود در بازپرداخت وام	عملکرد بانکی	۱۷
۳	۲۲	۶	طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها		۱۸
۳	۲۲	۶	تولید پایین واحدها به دلیل مشکلات مالی و دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری		۱۹
۱	۲۲	۶	عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید		۲۰
۲	۷	۲	نبود سازمان‌های کنترل کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید (افت قیمت محصولات و کیفیت محصولات)	نارسایی سیستم مدیریت	۲۱
۲	۷	۲	عدم مدیریت بحران مسئولین در زمانی که حوادث و بلاهای طبیعی باعث از بین رفتن محصولات می‌شود		۲۲
۱	۲۲	۶	نوسان شدید بازار در هنگام فروش		۲۳
۱	۲۲	۶	نوسان شدید قیمت نهاده‌ها		۲۴
۱	۲۲	۶	آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات و بیماری‌ها و نبود سردخانه		۲۵
			مناسب برای نگهداری محصولات	مشکلات	۲۶
۲	۱۰	۳	راکد بودن بازار فروش محصولات	بازاریابی و	۲۶
۲	۱۰	۳	رقابت ناسالم	بازاررسانی	۲۷
۲	۱۰	۳	رها کردن کار تولیدی به دلیل بالا رفتن سن و کاهش توان جسمی و بروز مشکلات خانوادگی		۲۸
۳	۴	۱	از دست رفتن مقداری از بازار فروش به دلیل عوض شدن سلیقه و ذائقه مشتریان		۲۹

«ناکارآمدی عملکرد بانکی»، کدهای «نبود سازمان‌های کنترل کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید» و «عدم مدیریت بحران مسئولین در زمانی که حوادث و بلاای طبیعی باعث از بین رفتن محصولات می‌شود» در زیرمحور «نارسایی سیستم مدیریتی» و در نهایت کد «از دست رفتن مقداری از بازار فروش به دلیل عوض شدن سلیقه و ذائقه مشتریان» در زیرمحور «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» پایین‌ترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

سپس ۶ زیرمحور تفکیک شده، به سه کد محوری اصلی شامل: «ضعف زیرساخت‌ها» و «نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» و «مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت» تقسیم شدند، بدین‌صورت که ضعف زیرساخت‌ها شامل زیرمحورهای «ضعف تجهیزات» و «مشکلات فرهنگی» بوده و به بررسی موانع بسترها و زیرساخت‌های موجود می‌پردازد. نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها شامل زیرمحورهای «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها» و «ناکارآمدی عملکرد بانکی» بوده و موانع موجود در قوانین و سیاست‌های مالی و معنوی را بررسی می‌کند. مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت نیز شامل زیرمحورهای «نارسایی سیستم مدیریتی» و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» می‌باشد (جدول ۴).

در رابطه با این عوامل، می‌توان گفت کد «نبود فضای کافی و مناسب» در زیرمحور «ضعف تجهیزات»، کد «عدم اعتماد به یکدیگر» در زیرمحور «مشکلات فرهنگی»، کد «عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان در توسعه واحدهای تولیدی خویش» در زیرمحور «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها»، کد «نرخ بالای سود و بهره بانکی وام‌ها» در زیرمحور «ناکارآمدی عملکرد بانکی»، کد «عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید» در زیرمحور «نارسایی سیستم مدیریتی» و کدهای «نوسان شدید بازار در هنگام فروش» و «نوسان شدید قیمت نهاده‌ها» و «آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات و بیماری‌ها و نبود سردخانه مناسب برای نگهداری محصولات» در زیرمحور «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» بالاترین اولویت‌ها، کدهای «وجود مشکل در زمینه حمل و نقل» و «دسترسی مشکل به مواد اولیه» در زیرمحور «ضعف تجهیزات»، کد «علاقه نداشتن به افزایش تولید» در زیرمحور «مشکلات فرهنگی»، کدهای «نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر» و «نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات» در زیرمحور «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها»، کدهای «طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها» و «تولید پایین واحدها به دلیل مشکلات مالی و دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری» در زیرمحور

جدول ۴- خلاصه اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی.

کدهای محوری	زیرمحوها	بالاترین اولویت‌ها	پایین‌ترین اولویت‌ها
ضعف زیرساخت‌ها	ضعف تجهیزات	نبود فضای کافی و مناسب	وجود مشکل در زمینه حمل و نقل و دسترسی مشکل به مواد اولیه
مشکلات فرهنگی	مشکلات فرهنگی	عدم اعتماد به یکدیگر	علاقه نداشتن به افزایش تولید
عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها	عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها	عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان در توسعه واحدهای تولیدی	نبود هماهنگی مناسب سازمان‌ها با یکدیگر و نداشتن نظارت و برنامه مناسب برای واردات محصولات
دولت و سازمان‌ها	ناکارآمدی عملکرد بانکی	نرخ بالای سود و بهره بانکی وام‌ها	طولانی شدن زمان واگذاری تسهیلات توسط بانک‌ها و تولید پایین واحدها به دلیل دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری
مشکلات زنجیره تولید، توزیع و نظارت	نارسایی سیستم مدیریتی	عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید	نبود سازمان‌های کنترل‌کننده به منظور نظارت بر زنجیره تولید و عدم مدیریت بحران مسئولین در زمانی که حوادث و بلایای طبیعی باعث از بین رفتن محصولات می‌شود
مشکلات بازاریابی و بازرسانی	مشکلات بازاریابی و بازرسانی	نوسان شدید بازار در هنگام فروش و قیمت‌نهادها و آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات و بیماری‌ها و نبود سردخانه مناسب برای نگهداری محصولات	از دست رفتن مقداری از بازار فروش به دلیل عوض شدن سلیقه و ذائقه مشتریان

نتیجه‌گیری

مطالعه در قالب گروه‌های «مشکلات بخش اجرا» و «مشکلات بخش تولید» به سه طبقه مفهومی «ضعف زیرساخت‌ها»، «نارسایی حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» و «مشکلات زنجیره تولید» طبقه‌بندی شدند که این طبقات شامل شش طبقه موضوعی «ضعف تجهیزات»، «مشکلات فرهنگی»، «عدم حمایت اقتصادی و ضعف سیاستگذاری‌ها»، «ناکارآمدی عملکرد بانک‌ها»، «نارسایی سیستم مدیریتی» و «مشکلات بازاریابی و بازرسانی» بودند. در این زمینه مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان لاهیجان از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به ترتیب در برگیرنده: نبود فضای کافی و مناسب، عدم اعتماد به یکدیگر، عدم حمایت دولت از تولیدکنندگان، نرخ بالای سود بانکی، عدم رسیدگی به مشکلات در حوزه تولید،

کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم و توسعه ملی و جهانی ایفا می‌کند، لذا لزوم ایجاد بستری مناسب در جهت حمایت‌های مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد. علی‌رغم اینکه نیمی از جمعیت کشور زنان هستند از این رو شناخت عواملی که در فرایند توسعه کارآفرینی زنان و به طور ویژه زنان روستایی اثرگذارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا هدف این پژوهش شناسایی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان لاهیجان بوده است. بر پایه یافته‌ها و نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های پیاپی و پیوسته‌ای که با زنان روستایی کارآفرین و کارشناسان صورت گرفت، عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد

این بخش از تحقیق همسو با نتایج محققانی است که در تحقیقات خود بر رفع این دسته از موانع و فراهم آوردن بستر مناسب برای کارآفرینی زنان تأکید دارند (کریمی، ۱۳۸۷). بنابراین باید مسئولین به حمایت‌های اقتصادی و ایجاد دستورالعمل‌هایی که باعث حل مشکلات و بحران‌هایی که زنان کارآفرین در این حوزه با آن مواجه هستند توجه بیشتری داشته باشند.

از سویی دیگر مشکلاتی که در چرخه تولید وجود دارد، چالش‌های فراروی روستایی کارآفرینی را دوچندان کرده است. در این رابطه خانم پورسالمی یکی از کارآفرینان در خصوص مشکلاتی که در زنجیره تولید وجود دارد، گفت: «هزینه کمپوست، نوسان بازار و واردات از شهرهای دیگر که به صورت یک‌روزه و دقیقاً زمانی که محصول باید به فروش برسد، ضرر زیادی دربردارد و اتحادیه‌ای برای نظارت و کنترل تولیدکنندگان قارچ وجود ندارد». در مطالعات پیشین نیز بر نقش مدیریت تولید در توسعه فعالیت‌های کشاورزی تأکید فراوان شده است، زیرا مدیریت تولید یکی از شاخص‌های متمایز کننده سیستم‌های تولید نوین و نظام‌های تولید و بهره‌برداری سنتی در کشاورزی معرفی شده است (USAID, 2004).

در ادامه به منظور درک روابط بین کدهای اتخاذ شده مدل ترسیمی از یافته‌های مطالعه ارائه شده است.

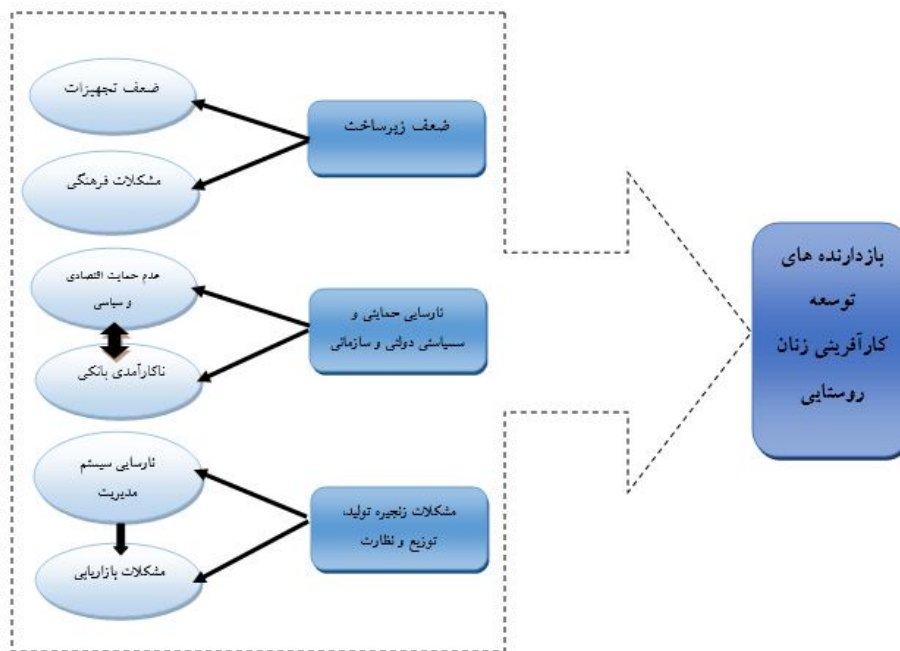
نوسان شدید بازار، نوسان شدید قیمت نهاده‌ها، آسیب دیدن محصولات به دلیل آفات، بود.

برای نمونه در این زمینه به برخی از گفته‌های زنان روستایی کارآفرین در رابطه با عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی اشاره می‌شود:

در رابطه با «ضعف زیرساخت‌ها»، یکی از زنان کارآفرینی بیان کرد: «بسیاری از شالیکاران به دلیل کم آبی زمین‌ها را رها می‌کنند و اداره آب و جهادکشاورزی در این مورد هیچ کمکی نمی‌کنند. به دلیل خشک شدن زمین مردم درصدد تغییر کاربری زمین هستند و یا این که زمین را بفروشند». یا «شریک شدن در کار گل و گیاه و گلخانه‌داری مقرون به صرفه نیست، چرا که گل و گیاه ۵ سال زمان می‌خواهد و کسی نیست ۵ سال سرمایه یا زمین خود را با دیگری شریک شود تا به سوددهی برسد». بر این اساس توجه به رفع مشکلات زیرساختی ضرورت و اهمیت بالایی در مسیر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان در شهرستان لاهیجان دارد. پژوهشگرانی همچون (Ellis, 2003; Cronies, 2006; Nawaz, 2009) نیز معتقدند دسترسی به منابع، تجهیزات موردنیاز و مواد اولیه و نیز فراهم آوردن زیرساخت‌های مرتبط با تولید، نقشی اساسی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان دارد.

در رابطه با «نارسایی‌های حمایتی و سیاستی دولت و سازمان‌ها» یکی از کارآفرینان گفت: «برای تولید بیشتر از وام سلف^۱ نه‌ماهه استفاده کردیم ولی این وام بهره بالایی داشت که ما توان بازپرداخت آن را نداشتیم». بسیاری از این کارآفرینان با مسائل مالی و قوانین دست و پاگیر زیادی مواجه هستند که باعث شده بسیاری از آنان با شکست مواجه شوند. نتایج

۱- سلف عبارت است از پیش‌خرید نقدی محصولات واحدهای تولیدی به قیمت معین



شکل ۱- مدل نمود محورها در کدگذاری انتخابی.

- افزایش دوره‌ها و کارگاه‌های حرفه‌ای آموزش کارآفرینی توسط نهادهای دولتی و غیردولتی.
 - گسترش کمی و کیفی مراکز خدمات فنی و مشاوره‌ای در روستاها و نیز انتخاب برخی زنان فعال در روستاها به عنوان رابط بین زنان روستایی کارآفرین و مروجان و کارشناسان کشاورزی.
 - فراهم آوردن زیرساخت‌ها و شرایط مناسب به منظور دسترسی آسان زنان روستایی به منابع مادی، فیزیکی، اطلاعاتی و نیروی انسانی.
 - ارائه آموزش‌های تکمیلی (شامل: آموزش کسب و کار، بازاریابی و فروش و بهبود روش‌های تولید) از طریق روش‌های مختلف آموزشی (حضور، غیر حضور، مجازی و...)
 - ایجاد بسترهای مناسب برای بازاریابی، برپایی و توسعه بازارها و نمایشگاه‌ها و فروش محصولات تولیدی

بنابراین، از آنجا که یافته‌های این مطالعه و بسیاری دیگر از مطالعات حاکی از تأثیر مهم عوامل بازدارنده در ایجاد و توسعه کارآفرینی زنان روستایی می‌باشد، توصیه می‌شود اقدامات کارآمدی به منظور فراهم آوردن بسترهای حمایتی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی انجام شود. در این راستا می‌توان سازوکارهای زیر را پیشنهاد نمود:
 - تخصیص هرچه بیشتر اعتبارات کم‌بهره ویژه زنان کارآفرین روستایی از سوی دولت و صندوق‌های حمایت از کارآفرینی و نظارت دقیق بر نحوه توزیع و مصرف آن، به منظور گسترش سطح تولیدات (خدمات) و پویایی فضای کسب و کار.
 - فراهم کردن امکان دسترسی بیشتر و آسان‌تر زنان روستایی به کارشناسان و مروجان کشاورزی از طریق مراجعه منظم و دوره‌ای آن‌ها به روستاها، بازدید از کسب و کار زنان و بررسی مشکلات و ارائه راهنمایی‌های موردنیاز به آنان.

منابع

۱. پاسبان، ف. ۱۳۸۲. نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، جلسات کنگره توسعه روستایی، وزارت صنایع کشاورزی.
۲. جواهری، ف.، قضاوتی، س. ۱۳۸۳. بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران: موانع ایجاد اشتغال زنان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲): ۱۶۱-۱۷۸.
۳. حیدری ساربان، و. ۱۳۹۱. اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP) مطالعه موردی استان اردبیل. مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، ۱۰(۲): ۱۵۹-۱۷۷.
۴. رکن‌الدین افتخاری، ع.، قدیری، ح. ۱۳۸۹. توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۵. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، حجازی، ا. ۱۳۹۱. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ پنجم، تهران: آقا.
۶. علیخانی دادوکلائی، م. ۱۳۹۳. چالش‌های پیش‌روی زنان در کارآفرینی کشاورزی. کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۴): ۱۹-۳۴.
۷. کریمی، ز. ۱۳۸۷. نقش حمایتی دولت در ایجاد شغل برای زنان مطالعه موردی تعاونی‌های زنان استان مازندران، همایش کارآفرینی زنان و چالش‌های پیش‌رو.
۸. کیاکجوری، ک.، رودگرنژاد، ف.، پورسیا، ح. ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی. مجله روستا و توسعه. ۱(۴): ۱۲-۲۵.
۹. مطیعی لنگرودی، ح.، قدیری معصوم، م.، دادورخانی، ف.، یداللهی فارسی، ج.، ترکشوند، ز. ۱۳۹۱. تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۴۴(۸۰): ۱۱۹-۱۳۸.
۱۰. هاشمی، ح.، پور امین‌زاد، س. ۱۳۸۹. چالش‌های فراروی مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های ایرانی، همایش چالش مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایرانی.
11. Archibong, C.A. 2004. Technology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in building a sustainable economy, school of business and economics North Carolina & T State University. The International Journal Of Humanities and Social Studies, 3(11): 313- 323.
12. Cronies, S. 2006. Understanding enterprise, entrepreneurship and small business, Macmillan, Basingstoke, 5: 243-246.
13. Ellis, F. 2003. Livelihoods and rural poverty reduction in Kenya. development policy review, 13: 566-571.
14. Given, L.M. 2008. The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Method. London: Sage Publications.
15. Heriot, K., Campbell, N. 2002. A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives. Available in: Western Kentucky University, and Noel D, Campbell, North Georgia College and State University.
16. Hoffman, J.M., and Mehra, S. 1999. Programs management leadership and pro-ductivity. improvement, International Journal of Quality Management. 2: 221-232.
17. Hyden, G. 2001. Rural poverty, risk and development. Elgar Publication, 39: 124-127.
18. Islam, K., Bahaurul, M. 2009. Rural entrepreneurship for women, academy of Management.
19. Lordkipanidze, M., Brezet, H., and Backman, M. 2005. The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. Journal of cleaner production, 13: 787-798.

20. Nawaz, F. 2009. Critical factors of women entrepreneurship development in rural Bangladesh. U.S.A: Bangladesh development research center (BDRC).
21. Sathibama, K. 2010. Rural women empowerment and entrepreneurship development.
22. Urbano, D., Toledano, N., and Soriano, D. 2010. Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain, *Journal of Social Entrepreneurship*, 1: 54-69.
23. Wendy, T., and Chong, S. 2007. Theorizing a framework of factors influencing performance of women entrepreneurs in Malaysia, *Asia entrepreneurship and sustainability*, 5: 42-46.
24. Wong, P., Ho, Y., and Singh, A. 2007. Towards an entrepreneurial university model to support knowledge- based economic development: The case of the national university Singapore. *World development*, 35: 941-958.
25. World Bank. 2006. Reaching the rural poor, the rural development strategy of the World Bank.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 5(1), 2018
<http://jead.gau.ac.ir>

Rural Women's Entrepreneurship Development Barriers (Case Study: Women entrepreneurs in Lahijan city)

***T. Ehsanifar¹, M. Shahmoradi², P. Moradiyan³, F. Rostami⁴ and K. Farahmand⁵**

¹M.Sc. Graduated of Entrepreneurship Management, Razi University, Iran, ²Ph.D. Student, Dept., of Agricultural Education, Razi, ³M.Sc. Graduated of Rural Development, Razi University, Iran, University, ⁴Assistant Prof., Dept., of Agricultural Development, Razi University, Iran, ⁵Assistant Prof., Payam Noor University of Rasht

Received: 04/05/2018; Accepted: 06/06/2018

Abstract

This study to identify restraining factors of the entrepreneurship development of rural women in the Lahijan city it's done. Research methodology was qualitative of case-study and by using in-depth interviews with 12 rural entrepreneur women that were selected based on purposive sampling method, data were collected. Based on the results of content analysis of interviews, restraining factors in two selective class "problems of implementation" in two areas contains of weakness of infrastructures and protection- policy insufficiency of government and organizations, and "problems of manufacturing" included of problems in the supply chain, distribution and monitoring, were classified. In this regard the lack of adequate space, the lack trust each other, the lack of government support of manufacturers, a high rate of bank interest, the lack of attention to the problems in the aria of production, intense market volatility, fluctuations in input prices, and damaged goods due to pest, formed the major obstacles to the entrepreneurship development of rural women in the Lahijan city.

Keywords: Rural Women, Entrepreneurship, Rural Development, Lahijan city

*Corresponding author: tahmineh.ehsanifar@gmail.com